«کودک من» را در رادیو سلامت دنبال کنید

شنوندگانی که علاقه‌مند به آموزش‌های مهارت زندگی به کودکان در حوزه سلامت معنوی هستند می‌توانند در این ایام برنامه «کودک من» را دنبال کنند.

به گزارش روابط عمومی رادیو سلامت، برنامه کودک من در ماه مبارک رمضان با موضوعات سلامت معنوی روی آنتن می‌رود. این برنامه که در گروه بهداشت روان تولید می‌شود تا امروز در راستای نحوه آموزش مهارت‌های زندگی به کودکان از طریق اطلاع‌رسانی به والدین قدم‌های موثری برداشته است. به گفته فاطمه بی‌تقصیر، تهیه‌کننده برنامه، با توجه به پیشنهاد لعیا باستانی، مدیرگروه بر آن شدند تا در ماه مبارک رمضان به موضوعات سلامت معنوی بپردازند و بیشتر درباره نحوه آموزش این مفاهیم به کودکان همپای والدین راهکارهایی را ارائه بدهند. وی در ادامه توضیح داد: ما ۲۵ فروردین به موضوع کودکان تا چه سنی باید برنده بازی باشند؟ (افزایش اعتماد به نفس به کودکان) می‌پردازیم. برنامه کودک من روزهای چهارشنبه ساعت ۱۶ و ۳۰ دقیقه از رادیو سلامت گروه بهداشت روان روی آنتن می‌رود.

کارگردان و بازیگران «نوروز رنگی» با حضور در تحریر

دهه ۶۰ در مشهد

حال و هوای دهه ۶۰ و مردمانی از جنس آن زمان که در محله‌ای قدیمی در مشهد، تلخ و شیرین زندگی را کنار یکدیگر سپری می‌کنند. در این محله خانواده صادق آقا و اعظم خانم و فرزندان‌شان سکونت دارند که هر بار با ماجرایی روبه‌رو می‌شوند. این فضای قالب سریال نوروز رنگی به کارگردانی علیرضا مسعودی (علی مشهدی) است که با آغاز امسال از شبکه پنج در ۲۰ قسمت روی آنتن رفت. سریالی که در آن خبر چندانی از چهره‌های مطرح سینما و تلویزیون نبود، اما با معرفی چند بازیگر تازه برای قاب تصویر و همچنین بهره بردن از هنرپیشگان نام‌آشنای دیگر که غالبا سابقه تئاتری دارند، توانست دیده شود و نظرات متفاوتی را دریافت کند.

یکی از بازیگرانی که با «نوروز رنگی» دیده شد، حمیدرضا حافظ شجری بود؛ بازیگر نوجوانی که توانست تجربه‌های تئاتری خود را جلوی

نوشین مجلسی
فاطمه عودباشی
رسانه

رکورد زدیم

آقای مسعودی کار قبلی شما با نام «آخر خط» از شبکه سه پخش شد و برخی تعجب کردند که چرا شما برای سریال نوروز رنگی سراغ شبکه پنج رفتید که در تمام این سال‌ها در بخش سریال‌سازی، رفت و برگشت‌های زیادی داشته و خیلی شکل منسجمی نداشته است.

علیرضا مسعودی، نویسنده و کارگردان: من طرح سریال را به سیما فیلم داده بودم و صفر تا صد دست سیما فیلم بود و خودشان تشخیص دادند به شبکه پنج ارائه کنند. البته خوشحالم که از این شبکه هم پخش شده است، زیرا رکورد کل سال‌های سریال سازی را شبکه پنج زده و این اتفاق خوبی است، زیرا با همکاری و همدلی یکدیگر رقم خورد. ما همه بی‌ادعا بودیم و هستیم اما توانستیم کاری کنیم که به گفته آقای رنجبران، مدیر روابط عمومی سازمان صدا و سیما، سریال بیننده زیادی داشته و افتخاری است برایمان و خوشحالیم این رکورد را از آن خود کردیم.

شما برای ساخت این سریال سراغ غیر چهره‌ها رفتید و معمولا این اتفاق با ریسک زیادی همراه است، نگران نبودید که موفق نشوید؟

مسعودی: من ریسک نکردم، بلکه اطمینان داشتم. تمام سلول‌های بدنم باور داشتند بچه‌ها می‌توانند اتفاق خوبی رقم بزنند. من جواد را در فضای مجازی ندیدم که انتخابش کنم، بلکه او بازیگر بی‌نظیری در تئاتر است یا محمد اسلامی، کارگردان و بازیگر خوبی است. ماهان عبدی را از بچگی بزرگ کردم و از قرارگاه مسکونی با من بوده است. هادی که استاد همه ماست و جایگاه بالایی دارد. افتخار داشتم با خانم مقتدی کار کردم که چهره بود و از اول افتخار دادند و در این کار حضور داشتند. محمد امین هم خواهرزاده ام بود و حمید حافظ شجری هم تجربه بازی از قبل داشته است. در مجموع همه دوستان در این سریال با جان و دل کار کردند.

یک ماه پیگیر بودم تا بازی کنم

آقای شجری نگران نیستید که با خوب در آمدن لهجه مشهدی‌تان در سریال نوروز رنگی این نقش روی شما بماند و دیگر کارگردانان برای چنین نقش‌هایی سراغ‌تان بیایند؟

حمیدرضا حافظ شجری، بازیگر نقش جعفر: نه، نگران نیستم چون تصمیم دارم شبیه نقش جعفر را بازی نکنم و سراغ نقش‌های متفاوت دیگری گام بردارم؛ بنابراین دیگر با لهجه مشهدی نقشی باز نمی‌کنم البته به بازی در سریال‌های طنز علاقه‌مندم و دلم می‌خواهد در این گونه، نقش‌های دیگر را بازی کنم.

چطور شد برای نقش جعفر انتخاب شدید؟ می‌خواهیم بدانیم کشف چه کسی هستید؟

حافظ شجری: من خیلی تجربه تئاتر صحنه داشتم و می‌توانم بگویم کشف خودم بودم. از سال ۸۸ کار می‌کنم. وقتی فراخوان سریال نوروز رنگی را در پیج اینستاگرام دیدم، پیگیر ماجرا شدم البته می‌دانستم که آقایان خواجوی و اسلامی در این پروژه بازی می‌کنند به همین دلیل از آقای اسلامی که با هم تئاتر هم کار کرده بودیم خواستم شماره آقای سید مرتضوی را به من بدهد. یک ماه پیگیر بودم چون قرارمان با آقای سید مرتضوی کنسل شد تا این که او به مشهد آمد و قرار گذاشتیم و وقتی مرا دیدند انتخاب کردند و دیگر تست هم نگرفتند.

در فراخوان برای بازیگر نقش جعفر چه ویژگی‌هایی ذکر شده بود؟

حافظ شجری: چیزی مشخص گفته نشده بود.

خواجوی: بچه‌هایی مثل من، حمید و محمد سال‌ها تئاتر کار کردیم و مرتب دم دفترها بودیم و هر وقت کارگردانی کاری می‌سازد، حتما سری به آن دفتر می‌زنیم. باید بگویم که من بارها در صف تست دادن بودم و هیچ‌وقت هم انتخاب نمی‌شدم. درباره نقش جعفر هم باید بگویم که نقش این‌گونه بود که همراه خانواده مسافرت می‌رفت و نقشش بعد از رفتن خانواده تمام می‌شد اما در پروسه ضبط و طبق جلسات و حرف‌هایی که با هم داشتیم و جذابیت‌هایی که در صورت، لپ‌ها و حرف‌زدن حمید دیده می‌شد، تصمیم گرفته شد نقشش بلند شود. حمید خیلی خوب بلد است دیالوگ بگوید و بداهه داشته باشد. می‌داند نقش چیست و توانایی‌هایش را درست خرج می‌کند. درواقع هر روز سرصحنه آقای مسعودی سکانس‌های مربوط به حمید را نوشته و ضبط می‌شد. خدا را شکر نقشش بیرون هم نزده و خیلی هم خوب در آمده است.

از ابتدا قرار بود نقش برادر کوچک‌تر خانواده را بازی کند؟

حافظ شجری: بله.

خواجوی: بله اما این بازیگر، کارگردان و... است که به نقش روح را تزریق می‌کند و حمید هم توانسته جان خوبی به نقش جعفر ببخشد.

پدری از جنس پدران نسل دهه ۶۰

تا به امروز بازیگران بسیاری، نقش پدران متفاوتی را در تلویزیون ایفا کرده‌اند، وقتی به شما نقش پدر خانواده سریال نوروز رنگی پیشنهاد شد، آن هم پدری عیالوار که در دهه ۶۰ زندگی می‌کرد، نگاه شما نسبت به این پدر قبل از بازی چطور بود و با چه دیدگاهی این پدر را بازی کردید؟

هادی عامل هاشمی، بازیگر نقش صادق، پدر خانواده: راستش نقش پدری که علی مسعودی نوشته بود، برایم خیلی دور از ذهن نبود. شبیه زندگی مردم در دهه ۶۰ و برگرفته از تجربیات محله و زندگی علی مسعودی بود. اتفاقا در زمان تولید در میان سکانس‌ها او از خاطراتش می‌گفت تا همه فضای دهه ۶۰ در ذهن‌شان ترسیم و ملموس شود. از سوی دیگر من متولد سبزوار هستم و پدرم مشهدی است و بخشی از عمرم را در مشهد زندگی کردم. به همین دلیل فضای پدر خانواده و محله برایم ملموس و خیلی راحت بود. ما به ازای همسایه‌های سریال را در اطراف خودم دیده بودم که وقتی در کوچه توپ بازی می‌کردیم و اگر خدای ناکرده توپ وارد حیاط کسی می‌شد آن را پاره می‌کرد یا جرات نداشتیم جلوی برخی خانه‌ها بازی کنیم، چون عواقب منفی به دنبال داشت. بنابراین بازی در سریال نوروز رنگی برایم خیلی نوستالژی داشت و زمانی که فیلمنامه را می‌خواندم شبیه خیلی از لحظات را در زندگی شخصی‌ام دیده بودم و وقتی قرار شد نقش پدر را بازی کنم، چند شخصیت از فامیل پیدا کرده، آنها را مهندسی کردم و به نقش رسیدم.

پس نقش پدر خانواده کلاژی از مردان خانواده عامل هاشمی است؟

عامل هاشمی: بله، در ابتدا از پدرم خیلی الگو گرفتم برای این نقش، زیرا ما پنج بچه بودیم که چهار پسر شر به همراه یک خواهر شیطون‌تر از پسر. ضمن این که از شخصیت‌های شوهر خاله و شوهر عمه‌ام هم بخش‌هایی گرفتم، حتی دویدن‌هایم، کتک زدن و... هم شبیه کسی بود. در مجموع هر بازیگری روش خودش را دارد. من هم با آموزه‌هایی که دیده بودم، نسبت به آن شناخت داشتم و با عقلم مهندسی کردم این شخصیت را بازی کردم. البته برای بازی علی مسعودی خیلی کمک کرد و کار با او بسیار راحت بود.

معمولا در آثار کمدی شاهد هستیم که شخصیت پدر و مادرها عصبانی نشان داده می‌شود و آنها جیغ و داد می‌زنند یا با بچه‌ها با خشونت خاصی رفتار می‌کنند. این اتفاق هم در سریال نوروز رنگی افتاده است. خودتان خواستید این بخش خشونت پدر را پررنگ کنید؟

عامل هاشمی: پدر خانواده بنا است. او بیرون کار می‌کند. از کسی طلبکار نیست. مومن است. مسجد می‌رود. به قضا و قدر الهی اعتقاد دارد و خیلی آدم زیاده‌خواهی نیست و برنمی‌تابد ناشکری را. در مجموع شخصیت درستی دارد اما خشن بودنش یا دمپایی پرتاب کردنش متناسب با فضای قصه بود. به نظرم چنین رفتارهایی باید به قصه بخورد، چرا که در غیر این صورت از قاب بیرون می‌زند. پس باید عصبانیت پدر دلیل داشته باشد. ضمن این که باید قبول کنید زبان هر شخصیتی در هر لایه از جامعه متفاوت است و باید بجا از رفتارها استفاده کرد که این اتفاق درست در نوروز رنگی افتاده است. من در برخی صحنه‌ها می‌خواستم از این واژه استفاده کنم که به خدا کشتمت! اما گفتند این طور نگویم. تلویزیون محدودیت‌هایی دارد و ما هم سعی کردیم بعد خشونت را تلطیف شده نشان بدهیم. از سوی دیگر من مرتب درباره این صحنه‌ها با علی مسعودی جر و بحث می‌کردم و به او می‌گفتم پدرم مهندس بود و اگر کسی من را در کوچه می‌زد، پدرش را درمی‌آورد، اما علی می‌گفت تو کوچه ما می‌زدند. من هم چنین اتفاقاتی را در محله مادربزرگم دیده بودم و برایم غریبه نبود. روابط میان همسایه‌ها در دهه ۶۰ بسیار صمیمی بوده و همه سرشان در زندگی یکدیگر بود و شما هم به عنوان بیننده همه این موارد را در نوروز رنگی دیدید.

فکر نمی‌کنید پدر و مادرهای عصبانی در سریال‌های طنز دیگر کلیشه شده و تماشای آن جذابیت ندارد؟

ماهان عبدی، بازیگر نقش مرتضی: همان طور که آقای عامل هاشمی گفتند ما محدودیت‌هایی در شوخی‌های فیزیکی داشتیم و دست‌مان خیلی باز نبود، اما این موارد که شما به آن اشاره کردید از زمان چارلی چاپلین بود و همیشه هم مردم به چنین کمدی‌هایی می‌خندند. بنابراین کلیشه نبوده و متناسب با فضای قصه سریال نوروز رنگی است.

پریسا مقتدی، بازیگر نقش کتایون: این سریال در برهه تاریخی اتفاق می‌افتد که روابط میان والدین و بچه‌ها به این شکل بوده که ما در نوروز رنگی نشان دادیم و کاملا با دوره الان متفاوت است و نباید شما مقایسه با این دوره کنید. البته منظورم این نیست که در آن مقطع زمانی پدر و مادرها خشن با بچه‌ها برخورد می‌کردند، اما اعتقاد داشتند که این سبک تربیت صحیح است؛ به همین دلیل این گونه عمل می‌کردند. اگر سریال طنز با زمان حال ساخته می‌شد، حرف شما درست بود، اما فضای سریال در دهه ۶۰ می‌گذرد و ما سعی کرده‌ایم سبک آدم‌ها و رفتارهای آن مقطع زمانی را نشان بدهیم و چیزی گل درشت در نیامده است.

محمد اسلامی، بازیگر نقش احمد: گرچه من دهه هفتادی هستم و آن مقطع زمانی را به یاد ندارم اما بسیار درباره‌اش شنیده و دیده‌ام. باید به صراحت بگویم که ما در سریال نوروز رنگی به هیچ‌وجه اگزجره نداشتیم و تصویر درستی از آن برهه با زبان طنز نشان داده شده است.

کار با مسعودی راحت بود

خانم مقتدی در سال‌های اخیر شما بیشتر گرایش‌تان به بازی در سریال‌های طنز بوده، آیا دلیل خاصی داشتید؟

مقتدی: خیلی اتفاقی پیش‌آمده و حساب‌شده نبود. به نظرم کار کمدی سخت است ولی اگر احساس کنید از کاری که انجام می‌دهید هم خودتان لذت می‌برید و هم عوامل و هم مردم، مسلما حس بسیار خوبی می‌دهد اما در مجموع کار با مسعودی سخت نبود و واقعا پشت همه ما بود و با اشتیاق سر صحنه می‌رفتیم و کار می‌کردیم. من از همکاری با این گروه خیلی لذت بردم و هر روز با حال خوب سر کار می‌رفتیم و به همدیگر برای کار انرژی می‌دادیم.

از ۱۲۰۰ نفر تست گرفته شد

آقای خواجوی آیا هر شب سریال را دنبال می‌کنید و برایتان مهم است که ببینید کجاهای کار اشکال دارید؟ چون تبلیغات این سریال را به شدت در صفحه‌تان انجام می‌دهید؟

خواجوی: بله از آنجا که من در دفتر سریال را ندیدم، هر شب دنبال می‌کنم. خیلی در صفحه‌ام تبلیغ سریال نوروز رنگی را می‌کنم. حتی در پاسخ به دوستان که می‌گویند چرا تا این اندازه تبلیغ می‌کنی؟ پاسخ می‌دهم واقعا سریال نوروز رنگی را دوست دارم. برخی کارها را فقط پول می‌گیریم و هیچ جا مطرح نمی‌کنیم اما نوروز رنگی کار ساده و آبرومندی است و دلم می‌خواهد تک تک سکانس‌ها را ببینم. در مجموع از تماشای سریال لذت می‌برم و نشده که حرص هم بخورم و با خودم بگویم اینجای کار بد هست و...

یعنی نسبت به بازی‌تان نقد ندارید؟

خواجوی: حرص نمی‌خورم اماده‌ها هزار نقد دارم. باید نقد کنیم وگرنه نمی‌توانیم پیشرفت کنیم.

کجای کار با خودتان گفتید ای کاش این طور بود؟

خواجوی: دوست داشتم مادرم هم مشهدی صحبت می‌کرد اما نشد و با توجه به بودجه و زمانی که در اختیار داشتیم این اتفاق نیفتاد. بازیگر نقش صادق هم در دقایق آخر پیش تولید انتخاب شد. معتقدم همیشه برای بهتر شدن باید تلاش بیشتر کرد.

سیدمحمدمهدی مرتضوی، مدیر تولید: ما پیش تولید را اردیبهشت شروع کردیم، حتی سه ماه در مشهد بودیم تا ماهان از نزدیک با لهجه مشهدی‌ها آشنا شود اما چون در نیامد دیگر با لهجه نگذاشتیم. در مجموع برای این سریال از ۱۲۰۰ نفر در سن‌های متفاوت تست گرفتیم. باید به نکته‌ای اشاره کنم و این که برخی بازیگر زده هستند و مرتب به ما می‌گفتند بازیگران چهره چه کسانی هستند. این در حالی است که خیلی از سریال‌ها با بازیگران چهره در میان مردم نه تنها محبوب نمی‌شوند، بلکه دیده هم نمی‌شوند اما علی مسعودی از ابتدا اصرار داشت سریال با افراد چهره نباشد. فقط برای بازیگران زوار به دنبال چهره بودیم که البته این بخش از کار در مشهد ضبط می‌شد و شرایط در آن مقطع زمانی قرمز بود و هیچ‌کس راضی نمی‌شد یا برای نقش صادق، حمید لولایی را می‌خواستیم بیاوریم اما آقای مسعودی ایستاد و مقاومت کرد که می‌خواهد با بازیگر غیر چهره کار کند.

برایتان سخت نبود این حجم تست بگیرید؟

مرتضوی: پروسه سخت و طاقت فرسایی بود اما این هدف آقای مسعودی بود که با غیر چهره‌ها کار کند. آقای مسعودی مثال می‌زد وقتی پایتخت ساخته می‌شود، تنها چهره آن علیرضا خمسه بود و بعد بقیه به مرور چهره شدند.

خواجوی: سینما و تلویزیون نیاز به چهره‌های جوان و جدید دارد. تا چه زمانی حامد بهداد و محمدرضا گلزار نقش جوان را بازی کنند. به هر حال آنها وارد ۴۰ سالگی شده‌اند. فقط علی شادمان جوان را داریم که خوب می‌درخشد. باید آدم‌های جدید بیایند و دیده شوند.

دنبال چهره‌های اینستاگرامی

آقای مسعودی، در صحبت‌ها اشاره کردید جواد خواجوی را به خاطر چهره فضای مجازی بودن انتخاب نکردید اما انتخاب علی صبوری برای سریال آخر خط و حالا جواد خواجوی این شبهه را ایجاد می‌کند.

اصلا نمی‌شود این دو مورد را با هم مقایسه کرد. من سر ماجراهای علی صبوری آن قدر اذیت شده بودم که تصمیم گرفتم دیگر از اینفلوئنسرها استفاده نکنم. انتخاب جواد داستان دیگری دارد. او بازیگر است و مرا به تئاتری با بازی خودش دعوت کرد که استعداد او را دیدم. نمی‌دانم چرا در این سال‌ها فرصت نداشته هنر بازیگری‌اش را آنچنان که باید به نمایش بگذارد.

به خاطر توالی این انتخاب‌ها، تصوری ایجاد می‌شود که احتمالا علیرضا مسعودی در کارهای بعدی‌اش هم سراغ چهره اینستاگرامی دیگری می‌رود؟

نه! (بلند و با خنده)

این قدر این تجربه تلخ بوده که بلند و قاطعانه نه گفتید؟

نه! جالب است که یکی دو نفر دیگر که در این فضا حضور دارند به من پیام دادند تا در سریال حضور داشته باشم اما دیدم خیلی‌ها کارهایشان ضعیف است و خوشم نیامد. بگذارید درباره علی صبوری باز توضیح بدهم. روزی که من او را انتخاب کردم در برنامه خندوانه به عنوان نفر اول خنداننده‌شو انتخاب شده بود. جوی در آن سال‌ها وجود داشت که عده‌ای مقابل بچه‌های خنداننده‌شو گارد گرفته بودند و می‌گفتند اینها آمدند و دو تا خاطره گفتند چرا باید این قدر مورد توجه قرار بگیرند؟ من می‌خواستم علی را بیاورم تا به همه ثابت کنم اینها هنر و توانایی دارند. هنرمندان بزرگ هم استندآپ کمدی دارند؛ مثلا وودی آلن هنوز هم استندآپ انجام می‌دهد. آن زمان که من علی را انتخاب کردم او هنوز در فضای مجازی این قدر دیده نشده بود ولی چون تصویربرداری ما یک سال و اندی طول کشید، زمان پخش علی برای خودش شاخ مجازی شده بود. قبل از پخش هر روز به او زنگ می‌زدم و می‌گفتم این کارها را نکن تا سریال پخش شود. البته علی بعد از پخش متوجه شد که بازیگری دنیای دیگری است و خدا را شکر الان فکر می‌کنم کمی خودش را کنترل کرده و بهتر شده است.